



# شیوه نثر مسجع و بهارستان جامی

تقدیم به روح پرفتوح شادروان استاد سید محمد محیط طباطبائی

دکتر اسماعیل حاکمی

تازه‌ای در محیط فکری و معنوی ایران گردید که از اهمیت آن نباید غافل ماند. زبان شعر دوره تیموری تا حد زیادی نزدیک به زبان عاقه شد و در اشعار این دوره گاه به نمونه‌های مصنوع یعنی اشعاری که به تکلفات و صنایع لفظی بیشتر در آنها توجه شده است باز می‌خوریم ولی در مجموع، گویندگان معروف آن عهد به سادگی اشعار خود بیشتر علاقه داشته‌اند. سرودن منظومه‌های عاشقانه و غزل بیش از سایر انواع شعر مورد توجه بوده است. شیرین مغربی، عصمت بخاری، سید نعمت الله ولی، کاتبی نیشابوری، ابن حسام، هلالی، جامی و جمعی دیگر از شاعران در این دوره می‌زیستند. جامی در مثنویهای خود تابع روش نظامی بوده و در غزل، شیوه غزل‌های سعدی و حافظ را تتبع کرده و در قصیده به سبک شاعران قصیده‌گوی عراق توجه داشته است. جامی از آن جهت که خاتم شعرای بزرگ فارسی زبان است دارای اهمیت و مقامی خاص می‌باشد. در اشعار وی افکار صوفیانه و داستانه‌ها و حکمت و اندرز و تخیلات غنائی به وفور دیده می‌شود.

## عبدالرحمن جامی و کتاب بهارستان

قرن نهم هجری که اختصاص به عصر تیموری دارد از جهات مختلف دارای اهمیت می‌باشد. هر چند بر اثر یورشهای پیایی و کشورگشاییهای تیمور برخی از بلاد ویران گشت و دانشمندان و شاعران پراکنده شدند با گوشه عزلت گرفتند، با این همه این دوره به وجود هنرمندان و دانشمندان و شاعران موزن بود. رگودنسی زبان فارسی در این دوره معلول چند علت بوده است، از جمله: رواج زبان ترکی، ضعیف شدن مراکز زبان فارسی در خراسان و عراق (عجم) و از میان رفتن استادان زبان فارسی. از میان حوزه‌های ادبی دوره تیموری از همه مهمتر حوزه‌ای است که در دستگاه امارت سلطان حسین باقرا در هرات تشکیل شد. در حقیقت حوزه علمی و ادبی و هنری هرات در عهد سلطان حسین باقرا منشأ تحول

استاد سید محمد محیط طباطبائی سالها به عشق معنویت و ایران دوستی و اسلام‌شناسی قلم زد و تدریس کرد و آثار گرانقدر و جاودانی از خود به یادگار گذاشت. حاصل عمر پربرکت استاد دهها کتاب و مقاله و سخنرانی و مصاحبه است که هر یک در نوع خود کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر می‌باشد. از آنجا که سالها قبل از این استاد محیط به تصحیح و تحشید و جابجایی کتاب ارزنده بهارستان جامی همت گماشتند به همین مناسبت این مقاله را به پاس فضل تقدّم و تقدّم فضل ایشان به روح پاک آن استاد دانشمند تقدیم می‌کنم:

سخن شناسان شیوه‌های نویسندگی را به: شیوه فرسل - تسجع و مصنوع تقسیم می‌کنند. نثر فرسل نثری است ساده و روان و عاری از صنایع بدیعی مانند اغلب آثار هنرور عهد سامانی. نثر تسجع نوعی نثر آهنگین است که عصر اصلی آن مسجع می‌باشد و در عین حال از صنایع دیگر نیز بهره‌مند است مانند: گلستان شیخ اجل سعدی، رسائل خواجه عبدالله انصاری، بریشان فآنی، بهارستان جامی و منشآت قائم مقام. نثر مصنوع و موزن نثری است که صنایع ادبی در حد افراط در آن راه یافته و در برخی موارد فهم مطالب را دشوار ساخته است. از قبیل: تاریخ و صاف - دژه نادره و تاریخ معجم.

در این گفتار به اختصار به شیوه نویسندگی عبدالرحمن جامی و ویژگیهای کتاب بهارستان اشاره می‌کنیم و چند نمونه از نثر این کتاب را برای آشنایی بیشتر به دست می‌دهیم:

از نظر نشر فارسی باید گفت در عهد تیموری نثر فارسی وضع نسبتاً مساعدی داشت. در این دوره نثر از مبالغه‌های فنی فزون ششم و هفتم هجری تقریباً آزاد شده بود، از این رو آثار آن عهد به سبک ساده‌ی عادی بیشتر نگارش یافته است. توجه به لهجه کهن فارسی در آثار منشور عهد تیموی کمتر ملحوظ بود و اصطلاحات و لغات و ترکیبات عمومی زمان مورد استعمال بیشتری داشت. آثار مصنوع در این دوره زیاد نیست. لیکن در مقدمات کتب و سرفصلها و نظایر این موارد تکلیفات بسیار بکار رفته و لغات و عناوین ابتدائی و اینکازی. تقریباً اصل مطلب را از میان برده است. در بعضی کتب سجعهای متکلفانه در ضمن کلام دیده می‌شود و در باره‌ای کتب دیگر آثار سادگی و روانی مشهود است.

یکی از ویژگیهای نثر دوره تیموری تنوع موضوعات است و مسائل علمی و تاریخ و قصص و روایات و تراجم احول و تفسیر قرآن و موضوعات دیگر در این دوره رایج بوده است. از ویژگیهای دیگر، تألیف کتب به زبان ترکی در اواخر عهد تیموری است.

از نویسندگان معروف این عصر می‌توان از نظام شامی مؤلف طفرنامه تیموری، حافظ ابرو صاحب زبدة التواریخ، فصیحی خوافی مؤلف مجمل السواریخ، کمال الدین حسین خوارزمی صاحب کتاب جواهر الاسرار و زواهر الانوار (شرح مثنوی مثنوی)، صابن الدین علی تکرک اصفهانی صاحب تألیفات متعدد از جمله ترجمه ملل و نحل شهرستانی غیاث المدین اصفهانی مؤلف کتاب دانشنامه جهان، دونه‌ساز سمرقندی صاحب تذکره الشعراء، میرخواند صاحب کتاب روضه الصفا، خواندمیر مؤلف حبس السیر، ملاحسین کاشفی سبزواری صاحب تألیفات بسیار از جمله فتوح نامه سلطانی و روضه الشهداء، ملاجلال دوانی صاحب کتاب اخلاق جلالی و مولانا عبدالرحمن جامی صاحب تألیفات متعدد و از جمله بهارستان نام برد.

یکی از رشته‌های ادب در آثار منشور فارسی بیان مطالب اخلاقی و اجتماعی و حکایات شیرین و آموزنده است و رمز توفیق نویسندگانی از قبیل بیهقی، نصرالله منشی، سعدی و جامی و دیگر استادان این فن در شیرینی گفتار و ساده‌نویسی آنان است. ملا عبدالرحمن جامی شاعر و نویسنده نامدار قرن نهم هجری در آثار منظوم و منشور خویش، این نکات دقیق و ظریف را مدنظر داشته و کاملاً حق مطلب را در

### \* یکی از ویژگی‌های نثر دوره تیموری تنوع موضوعات است و مسائل علمی و تاریخ و قصص و روایات و تراجم احوال و تفسیر قرآن و موضوعات دیگر در این دوره رایج بوده است.

انتخاب لفظ و بیان معنی ادا کرده است. بهارستان جامی که به شیوه گلستان سعدی و در قالب نثر همراه با اشعار فارسی و عربی تألیف گردیده است از نمونه‌های نثر مطبوع و شیرین فارسی بشمار می‌رود.

تاریخ نظیر نثر فنی و تأثیر مختصات نثر عربی در نثر فارسی از نیمه دوم قرن پنجم هجری آغاز می‌گردد و از این هنگام است که مقدمات تبدیل سبک از نثر مرسل به فنی فراهم می‌شود.

عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر مؤلف قابوس نامه در آیین کاتب و شرایط کاتبی می‌نویسد: «نامه خویش را از حدیث و استعارت و امثال آبتهای قرآن و خیرهای رسول (ص) آراسته‌دار و اگر نامه پارسی بود، پارسی که مردمان اندر نیابند منویس که ناخوش بود... و در نامه نازی سجع هنر است و سخت نیکو و خوش آید، لیکن در نامه پارسی سجع ناخوش آید، اگر نگوید بهتر بود».

سبک نثر فنی یعنی سبکی که در تاریخ نظیر نثر فارسی در قرنهای ششم و هفتم دنبال می‌شود شیوه‌ای است که در آن نمونه‌های برجسته نثر فارسی را در موضوعات مختلف همراه با تنوع و زیبایی کلام می‌توانیم بیابیم. از اوایل قرن هشتم این شیوه نثر به تصنع و تکلف پیوست. از ویژگیهای نثر فنی استفاده از عنصر سجع است که برخی از محققان سجع را از خصوصیات زبان عربی می‌دانند و جمعی دیگر آنرا در آثار ایران باستان ریشه‌یابی می‌کنند. در توقیعات نوشیروان آمده است که «هرکه رود چرد و هرکه

خسبد خواب بند» ترجمه این عبارت در کتب عربی به این صورت آمده است که: «من سعی رعی و من نام رأی الاحلام». آشنایی عرب با ایرانیان و یونانیان و برخوردن آنها به کتبی که سراسر پر از کنایه و استعاره و تعبیرات گوناگون بوده است خاصه کتبی که مأخذ آنها از ادبیات هندی بوده از قبیل کلیله و دمنه، موجب تطوّر نثر گردید و قدیمترین نثر مصنوع، نثر ابن مقفع است. حقیقت آنست که عرب بعد از خواندن قرآن کریم با سجع آشنا گردید. محققان اینگونه شباهتها را در قرآن کریم احتراماً فواصل قرآنی می‌نامند و از تعبیر کردن به سجع احتراز می‌کنند. کتابهای مقامات عربی از قبیل مقامات حریری و مقامات بدیع الزمان همدانی آراسته به انواع سجع می‌باشد. نثر مسجع در ایران از آغاز پیدا شدن فارسی دری موجود بوده است ولی کتاب یا رساله‌ای که تماماً مسجع باشد بیشتر از قرن ششم تا به حال دیده نشده است. ظاهراً باید نخستین سجع ساز فارسی را خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ ه.ق) شمرد. خواجه در آثار منشور خویش از قبیل: مناجات نامه، کنزالسالكین، قلندرنامه، محبت نامه و هفت حصار از انواع سجع استفاده کرده است. سجعهایی که خواجه در آثار خویش آورده است در واقع نوعی شعر است زیرا عبارات او بیشتر قریبه‌هایی است مزدوج و مرصع و مسجع که گاهی به تقلید ترانه‌های هشت هجایی و قافیه‌دار عهد ساسانی سه لختی است. مانند: «اگر بر هوا روی مگسی باشی اگر در آب روی خسی باشی، دلی بدست آرنا کسی باشی».

حدود یک قرن بعد از خواجه عبدالله، قاضی حمیدالدین بلخی در پیروی از مقامات بدیع الزمان و حریری از این شیوه پیروی کرده است.

چهار مقاله نظامی عروضی و کلیله و دمنه و مرزبان نامه را از نمونه‌های خوب نثر فنی آراسته به زیور سجع باید محسوب داشت. بعد از این آثار نوبت به گلستان اثر شیخ اجل سعدی می‌رسد. جریان تازه شهمی که از قرن هفتم در نثر مصنوع فارسی پدید آمد و بعد از آن کم و بیش تا عهد قائم مقام فراهانی ادامه یافت نگارش گلستان است به دست مشرف الدین بن مصلح سعدی شیرازی (متوفی ۶۹۱-۶۹۴ هجری قمری)، مقبولیت کتاب گلستان در زبان فارسی مایه آن شد که بعد از قرن هفتم اولاً در شمار کتاب درسی مبتدیان و فارسی خوانان درآمد و ثانیاً چند بار مورد تقلید صاحب ذوقان قرار گیرد و از این راه کتابهایی از قبیل بهارستان جامی - روضه خلدبیرین مجد خوافی - پریشان فآنی و منشآت قائم مقام به وجود

از مهمترین آثار جامی کتاب «بهارستان» است که وی قسمتی از آن را به پیروی از گلستان سعدی نوشته، ولی مسلم است که قصد او در این کار ساده تر کردن شیوه انشای سعدی بود و به همین سبب انشاء بهارستان جامی حتی در آن قسمت که رنگ ادبی آن بیشتر است، بیش از آنچه انتظار می رود، متمایل به سادگی است و شاید یکی از علل این تمایل، اختصاص کتاب به تعلیم فرزند نوآموز مؤلف بود. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خانمه ترتیب یافته است. روضه نخستین در ذکر حکایاتی است درباره روضه مشایخ صوفیه و بعضی از اسرار احوال آنان. روضه دوم متضمن حکم و مواعظ و مشتمل بر چند حکمت و حکایات مناسب مقام، روضه سوم درباره اسرار حکومت، روضه چهارم درباره بخشش و بخشندگان، روضه پنجم در تقریر حال عشق و عاشقان، روضه ششم حاوی مطایبات و لطایف و ظرایف، روضه هفتم در شعر و بیان احوال شاعران و روضه هشتم در حکایاتی چند از زبان احوال جانوران. جامی در آغاز کتاب گفته است که چون فرزندش ضیاء الدین یوسف به آموختن فنون ادب اشتغال داشت این کتاب را برای وی فراهم آورد و آنرا بر اسلوب گلستان نوشت. جامی با آنکه روضه هفتم از کتاب خود را که در شرح حال گروهی از شاعران برگزیده فارسی تا عهد اوست، به اختصار تمام پرداخته است لیکن همان اشارات کوتاه که در این روضه آورده حاوی نکات سودمندی است که در تحقیق احوال شاعران می تواند محل استفاده باشد. عبارات کتاب بهارستان بغایت ساده و شیرین است و در میان آثار منظوم فارسی مقامی شامخ دارد این کتاب غالباً مشتمل بر مطالب اخلاقی عالی و دستورهایی سودمند برای زندگانی است. قطعه های تاریخی آن نیز قسمتهای مفیدی دارد که به روشن شدن احوال شعرا و عرفا کمک می کند. در مقام مقایسه بهارستان با گلستان سعدی، سخن منظوم بهارستان بیشتر است و سجع و تکلف به وفور در آن راه یافته و در روضه ششم آن پاره ای از مطایبات فراهم آمده است که خواننده را از سلیقه تربیتی مولانا جامی به شگفتی می آورد.

در خانمه، جامی را مقالاتی است که در آنجا پس از اعتدال از طول کلام باز به تقلید از سعدی اشاره بدین نکته کرده است که اشعار و منظومات وارده در آن کتاب همه از خود اوست و مستعار نیست و این رباعی را نظم فرموده است:

جامی هر جا که نام انشا آراست

### ✽ در مقام مقایسه بهارستان با گلستان سعدی، سخن منظوم بهارستان بیشتر است و سجع و تکلف به وفور در آن راه یافته و در روضه ششم آن پاره ای از مطایبات فراهم آمده است.

از گذشته کس به عاریت هیچ نخواست آن را که ز صنع خود دکان پرکالاست  
دلآلی کالای کبانش نه سزااست  
در بیان سخن این قطعه را که متضمن تاریخ تألیف کتاب به سال ۸۹۲ بوده آورده است:  
تکاپوی خامه در این طرفه نامه  
که جامی بر او کرد طبع آزمایی  
به وقتی شد آخر که تاریخ هجرت  
شود نهمینار هشت پیروی فرزائی

#### اختصاصات ادبی بهارستان

چنانکه قبلاً اشاره شد کتاب بهارستان به نثر سجع و در عین حال ساده و روان نوشته شده است. برخی اختصاصات سبکی آن به شرح زیر است:

۱- استشهاد به آیات قرآن کریم، مانند: «و کلاماً نَقَصَ عَلَیْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ» (سوره هود، آیه ۱۲۱)

«وَأَمْرًا هَٰذَا حَقَّالَةَ الْحَقِّ» (المسد، آیه ۵)

۲- استفاده از احادیث و مأثورات مذهبی: «قیمة کل امری ما یحبیبه»

ترجمه «الهی عاملنا بفضلك ولا نعاملنا بعدلک»  
۳- استفاده از امثال و حکم، مانند: «یار از برای روز محبت باید واگر نه روز راحت یار کم نیست»- «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند نه به قوت تن و ضخامت بدن»

با کسی منشین که نبود با تودر گوهر یکی  
رشته پیوند صحبت اتحاد گوهر است

#### ۴- صنایع بدیعی:

الف- جناس، مانند: «هرکه را خلق با خلق نه نکوست، پوست بر بدن زندان اوست» «نادان کسی که خود را به اختیار بیمار سازد تا به اضطراب تیمار کند».

ب- تشبیه، مانند: «افریدون که در زمین شفقت جز تخم نصیحت نکشت به فرزندان خود این توفیع نوشت...»

مغرور مشوبه مال چون بسخیران  
زیرا که بود مال چو ابر گذران  
ج- تضاد (=طباق): «بسیار بود که در دوستی خلل افتد و به دشمنی بدل گردد»

آن سفله که مدح را زده نشناسد  
فتح از کمرو کسر روضه نشناسد  
د- مراعات النقیض (تناسب)، مانند:

«گفت: در این بیابان با جمعی از سرهنگان از گرگان و پلنگان آشنایی دارم، احرام زیارت ایشان بسته ام...»

#### ه- ردّ العجز علی الضدر:

مغرور مشوبه مال چون بسخیران  
زیرا که بود مال چو ابر گذران  
ابر گذران اگر چه گوهر باره

خاطر نهنده مرد خردمند بران  
و- سجع: مولانا جامی در ضمن کلام از انواع سجع استفاده کرده و به شیوه شیخ اجل کلام خود را به زیور سجع آراسته است. استفاده از انواع سجع موجب نشده تا کلام جامی به تکلف نزدیک شود. بلکه سجع به زیبایی نثری کمک کرده است. از میان نویسندگانی که به شیوه نثر سجع سعدی بسیار نزدیک شده و در این راه موفق گردیده اند جامی در بهارستان و قائم مقام در منشآت را باید نام برد.

#### ۵- ویژگیهای دستوری:

الف- استعمال مصدر (ماندن) در معنی متعدی به معنی: باقی گذاشتن:

آنچه اندوخت سفله طبع لثیم  
بعد مرگ از برای دشمن ماند  
ب- تقدیم صفت بر موصوف:

از سر سر بمهر پشیمان نشد کسی  
بس فاش گشته سر که پشیمانی آورد  
ج- حذف فعل به قرینه:

«توس از زهر دندان مار است نه از زخم پیکان خار»  
«مرادهاان خاموش، ترا زبان پرخروش»  
۶- استناد به اشعار عربی و فارسی:

اصوات و طیب الحان علی الدوام خوانند و به مسامع  
حاضران مجامع قدس و ناظران مناظر آنس علی مر  
الشهور والاعوام رسانند. قطعه:

صانعی را که گلستان سپهر  
باشد از گلبن صنم و رقی  
یابود بهر ثنا حیواناتش  
پر نثار از دُر و گوهر طبیعی  
حَلَّت عظمة جلاله و غلت کلمه کماله. و هزاران  
سرود تحیت و درود از گلوی عندلیبان بوستان سرای  
فضل وجود که مُطربان بزم شهود و مُعتیان عشرتخانه  
وجد و وجودند. قطعه:

بر گل روضه ابلاغ که هست  
گل این باغ ز رویش عرقی  
نیست ز اوراق چمن مرغان را  
بجز اوصاف جمالش شبلی  
و علی آله و صحبه المقتسبین من مشکوة عُلوّه  
واحواله».

در خاتمه به عنوان تیمن و تبرک بخشی از دیباچه  
بهارستان را که به شیوه گلستان شیخ اجل سعدی  
نگاشته شده و در ضمن، آن، جامی علت تألیف  
کتاب را بیان نموده است ذیلاً نقل می کنیم:

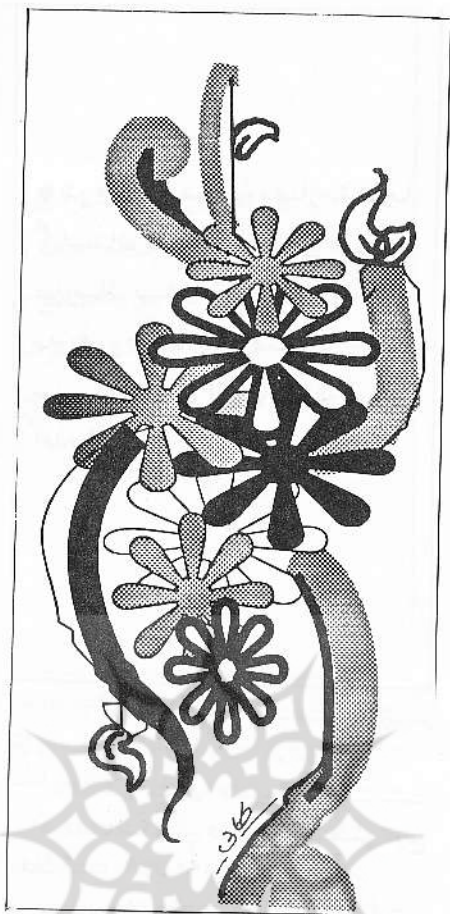
«اقا بعد نموده می آید که چون در این وقت  
دلپسند فرزند ارجمند ضیاء الدین یوسف به آموختن  
مقدمت کلام عرب و آندوختن قواعد فنون ادب  
اشتغال می نمود... از برای تلطیف سر و تشجید خاطر  
وی گاهگاهی از کتاب گلستان که از انفاص متبرکه  
شیخ نامدار و استاد بزرگوار مصلح الدین سعدی  
شیرازی است، رَحْمَةُ اللهِ تَعَالَى، مثنوی:

نه گلستان که روضه ای ز بهشت  
خاک و خاشاک او عبیر سرشت  
بایهایش بهشت را درها  
فیض ده قضا هاش کونثرها  
نکته هایش نهفته در پرده  
رشک حوران تاز پرورده  
دلکش اشعار او بلند اشجار  
از نم لطف تحتها الاتهار  
سطری چند خوانده می شد...

پی نوس:

با استفاده از:

- ۱- بهارستان جامی چاپ استاد سید محمد محیط طباطبائی
- ۲- بهارستان چاپ دکتر اسماعیل حاکمی (چاپ دوم)
- ۳- فنّ نثر تألیف استاد دکتر حسین خطیبی
- ۴- گنجینه سخن تألیف استاد دکتر ذبیح الله صفا
- ۵- شاهکارهای نثر فارسی تألیف استاد سعید نفیسی
- ۶- سخنرانیهای گنگره سعدی



از عید نوروز و جشن مهرگان و اینگونه آداب و رسوم  
کهن ایرانی مطالب سودمند و آموزنده ای بیان نموده  
است. همچنین در روضه هفتم کتاب مطالب سودمند  
و ارزنده ای درباره شعر و شاعری و بنایگاه شعر در  
اسلام و شاعران نامدار از قبیل: رودکی سمرقندی-  
دقیقی طوسی- حکیم ابوالقاسم فردوسی- فرخی  
سیستانی- ناصر خسرو- ازرقی- امیر معزی- عمق  
بخارایی- سوزنی سمرقندی- خاقانی- شروانی-  
نظامی گنجوی- ظهیر- کمال اسماعیل- امیر خسرو  
و امیر حسن دهلوی- عماد فقیه- کاتبی نیشابوری-  
سعدی- حافظ و امیر علی شیر نوائی نقل کرده است.  
مولانا جامی کتاب بهارستان را با حمد خدا و پس  
از آن نعت پیامبر گرامی اسلام اینگونه آغاز نموده  
است:

«چومرغ امر ذیبالی ز آغاز

نه از نیروی حمد آید به پرواز  
به مقصد نارسیده بر بریزد  
فتد زانسان که دیگر برنخیزد  
هزار دستان حمد و ثنا از زبان مرغان بهارستان  
عشق و وفا که از منابر اغصان فضل و احسان به حُسن

ایکی وما یدرک ما یُبکینی  
ایکی حذار أن تُفارقینی

چو میزبان نهد خون مکرمت آن به  
که از ملاحظه میهمان کنار کند

بایدت منصب بلند بکوش  
تا به فضل و هنر کنی پیوند  
نه به منصب بود بلندی مرد  
بلکه منصب بود به مرد بلند  
۷- استعمال لغات و اصطلاحات عرفانی، از  
قبیل: صوفی، مُرید، خرّقه، دلق، پیر، خانقاه، مقام،  
ارادت و غیره مانند:

«صوفی اینجا میهمان است، تقاضای مهمان بر  
میزبان جفاست»

ضمناً از مشایخ بزرگ صوفیه نیز در این کتاب به  
مناسبت، ذکری رد است، از قبیل ابوالحسن نوری-  
حسین بن منصور حلاج- شبلی- خواجه عبدالله  
انصاری- ابوسعید ابوالخیر- ذوالنون مصری-  
معروف کرخی و دیگران.

۸- کاربرد لغات و اصطلاحات فارسی و عربی  
زیبا، مانند افسوس پیشه، بارگی، بزمند، تماشایی،  
جفاکش، خشک مغزی، ستیزه سنج، سر بُمهر،  
سودائی، گرانجان و غیره.

در اینجا به این نکته باید اشاره کرد که رو بهمرفته  
بهارستان دارای مطالب و حکایات متنوعی است، از  
قبیل: حکایات تاریخی، ادبی، عاشقانه (غنائی)  
- مطالبات - قصه های جانوران - احوال و اقوال  
مجانین عقلا از قبیل: بهلول و جوحی - اسخیا  
و بخشندگان مانند حاتم طائی و معن بن زائده  
احوال دانشمندان، از قبیل: اصمعی و جاحظ احوال و  
اشعار شاعران مانند: رودکی، دقیقی، انوری،  
عمق، امیر معزی، ادیب صابر - سوزنی سمرقندی -  
خاقانی - کمال الدین اسماعیل - حافظ و دیگران.  
جامی در تألیف بهارستان از کتب و آثار نویسندگان  
قبل از خود استفاده کرده است از قبیل: الفرج بعد  
الشدّة قاضی تنوخی و ترجمه فارسی آن - المُستجد  
من فَعَلات الاجواد قاضی تنوخی - گلستان سعدی -  
کُتب تاریخی فارسی و عربی. از جمله ویژگیهای  
بهارستان، اشتمال آن بر تاریخ و فرهنگ ایران باستان  
است. جامی به مناسبت از جمشید و فریدون و  
انوشیروان و قباد و بوذرجمهر حکیم و یزدگرد و عیدها  
و جشنهای باستانی ایران سخن به میان آورده است و